

اهمیت و جایگاه امنیت اقتصادی در توسعه پایدار اقتصادی

اراده بهترین راهنمای طبیعت

است.

اسمایلز

غلامرضا عطوفی؛ حمیدرضا جاویدان داروگر^۲

چکیده

امنیت در قرن بیست و یکم مفهومی بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر پیدا کرده است. هر چه در دو قرن پیشین امنیت نظامی و سیاسی دارای بیشترین اهمیت بود، در قرن حاضر امنیت اقتصادی در اولویت قرار گرفته است. امنیت اقتصادی نیز همانند سرچشمه واژه خود امنیت، مفهومی گسترده و پیچیده پیدا کرده است. امروزه در ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی کشورها، اهمیت ویژه‌ای برای شاخص امنیت اقتصادی قائل می‌شوند. امنیت اقتصادی دارای چنان ظرفیتی است که تمام ارکان جامعه را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. در این نوشتار با تحقیق و کاوش در دستاوردها و مطالعات انجام شده قبلی در مقوله امنیت اقتصادی، سعی بر آن شده است که با زبانی ساده و کاربردی این مفهوم پراهمیت و استراتژیک معرفی مجدد شده و اهمیت و جایگاه آن در توسعه پایدار اقتصادی به طور کلی تبیین گردد.

واژگان کلیدی

امنیت، امنیت اقتصادی، توسعه پایدار، توسعه اقتصادی.

۱. عضو هیات علمی گروه مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲. دانشجوی کارشناسی مدیریت صنعتی دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، Hrjavidan@gmail.com

مقدمه

«توسعه اقتصادی»، «کشورهای توسعه‌یافته»، «کشورهای در حال توسعه»، «تورم»، «رونق اقتصادی» و ... واژگانی هستند که اغلب از منابع مختلف نوشتاری، شنیداری و دیداری، شنیده یا خوانده شده‌اند. هر کس که دانش مقدماتی در حوزه علم اقتصاد داشته باشد یا مطالعاتی هر چند پراکنده و سطحی در این حوزه انجام داده باشد، می‌تواند یک دیدگاه مفید از این دیدگاه در ذهن خود ایجاد نماید. سازمان‌ها و نهادهای متعددی (اعم از بین‌المللی، داخلی، دولتی، خصوصی و ...) پژوهش‌ها و مطالعات فراوانی در خصوص «توسعه اقتصادی» انجام داده و اسناد علمی و راهبردی فراوانی در این بخش تدوین و منتشر نموده‌اند. اندیشمندان دانشمندان متعددی از چهارگوشه جهان نظریات و تحقیقات گوناگونی را در این عرصه انجام داده و ارائه کرده‌اند. اما برای ایجاد یک ساختار اقتصادی محکم و قوی، همچنین برای آنکه این اقتصاد در مسیر شاهراه پیشرفت و توسعه قرار گیرد، لازم است، زیرساخت مناسبی برای آن فراهم گردد. یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین زیرساخت‌های توسعه اقتصادی، «امنیت اقتصادی» است. مسأله امنیت تضمین‌کننده مؤلفه‌های توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و محافظت از محیط زیست است. در حقیقت تصور توسعه پایدار، بدون در نظر گرفتن مقوله امنیت، تصویری موهوم و خیالی است. این مهم را می‌توان از تجربیات کشورهای توسعه‌یافته، نظیر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمریکای شمالی و برخی کشورهای نوظهور در حال توسعه نظیر برزیل، آفریقای جنوبی و ... مشاهده نمود. سالانه بخش عمده و قابل توجهی از بودجه این کشورها به مقوله امنیت اختصاص می‌یابد که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت ویژه مقوله امنیت برای تداوم و برقراری توسعه پایدار می‌باشد.

علیرغم اهمیت مسأله «امنیت اقتصادی»، متأسفانه شاهد آن هستیم که در دهه‌های اخیر توجه چندانی بدان نمی‌شود و در مواردی که اقداماتی از سوی نهادهای مسئول صورت پذیرفته است، بیشتر جنبه «اقتصاد امنیتی» به موضوع داده است تا امنیت اقتصادی. لذا به نظر می‌رسد، لازم است مقوله امنیت اقتصادی مورد بازخوانی قرار گرفته و اهمیت و جایگاه آن بیش از پیش مورد توجه واقع شود.

مبانی نظری

۱. توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی هدفی آرمانی برای غالب کشورها است. همه کشورهای عقب‌مانده تمایل دارند بر ظرفیت و توان مادی و معنوی کشور خود بیفزایند و در پناه تکامل ظرفیت‌ها و توانایی‌ها، اقتصادی قدرتمند داشته باشند. داشتن انسان‌هایی سالم، متخصص، مدبر و تلاشگر به همراه طیف گسترده‌ای از صنایع زیربنایی، راه‌های ارتباطی و مراسلاتی پیشرفته، امکانات بهداشتی و آموزشی نوین هم سطح با جهان صنعتی و نظایر آن هدفی مطلوب برای کشورهای در حال توسعه است (متوسلی، ۱۳۹۲: ۹).

در اغلب موارد دو عبارت «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» به یک معنی و مفهوم استنباط می‌شوند. این در حالی است که علیرغم ارتباط بسیار نزدیک این دو عبارت، از نظر معنی و مفهوم دارای تفاوت‌های بسیار مهمی می‌باشند. رشد به تغییر کمی هر متغیر طی یک دوره معین زمانی گفته می‌شود (متوسلی، همان: ۱۱). اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. توسعه به معنای خروج از لفاف است و نخستین نظریه‌پردازان توسعه بر آن بودند که این لفاف، همان جامعه سنتی و ارزش‌های آن است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵). توسعه در فرهنگ دهخدا به معنی فراخی و وسعت آمده است که به صورت توسعه دادن، توسعه پیدا کردن به کار می‌رود. به عبارت دیگر از نظر لغوی توسعه یعنی خروج از پوسته و در حالت کلی به معنی خارج شدن کشورهای توسعه‌نیافته از وضعیت قبلی می‌باشد.

در جامعه سنتی: اگر اتفاقاتی روی دهد که شاهد فرآیند انتقال از دنیای کهنه به دنیای نو باشیم، آن جامعه توسعه یافته است.

در جامعه مدرن: از طریق استمرار انباشت سرمایه و سرمایه گذاری وسیع مادی و انسانی می‌توان جامعه کنونی را به جامعه مدرن‌تر تغییر داد (ملکی، ۱۳۹۲: ۱۴).

توسعه اقتصادی فرآیندی است که با بهبود در مبانی علمی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یک جامعه، تولید حداقل در بخش‌های شتاب‌دهنده یا پیش‌تاز از حالت مبتدی به شیوه مدرن و پایدار تبدیل می‌شود. منظور از بخش‌های پیش‌تاز، انواعی از تولیدات با فناوری برتر مغز افزاری اولویت‌دار است که در صورت تمرکز منابع مادی و انسانی، امکان خلق مزیت در آن‌ها وجود دارد. تولید فکر و نوآوری، توسعه اختراعات، سرمایه‌گذاری در تکنولوژی نانو و ... از مصادیق بخش‌های پیشرو می‌باشند. خودرویی ملی بومی صادراتی و پتروشیمی هم می‌توانند در بخش سخت‌افزاری ایران به عنوان تولیدات پیش‌تاز هدف‌گذاری شوند (ملکی، همان: ۱۶). توسعه اقتصادی در یک تعریف کلی عبارتند از رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی ابعاد کمی و کیفی تغییر در متغیرهای اقتصادی را نه به صورت مکانیکی، بلکه به صورت ارگانیک و زیستی در بر می‌گیرد. در تعریف دیگری، توسعه اقتصادی را ارتقای فراگیر و همه جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه دانسته‌اند (متوسلی، پیشین: ۱۲).

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، هر چند کلمه توسعه در بسیاری مواقع با کلماتی چون تغییر، تکامل و رشد مترادف در نظر گرفته شده است، اما می‌بایست میان توسعه و این کلمات تفاوت قائل شد. تغییر با توسعه یکسان نیست، بلکه یک مفهوم کلی است که می‌تواند مفاهیم تکامل، توسعه و پیشرفت را دربر بگیرد، اما در عین حال متفاوت از آن‌ها باشد. بدین معنی که تغییر اولاً تحت تأثیر نیروهای خارجی رخ می‌دهد، ثانیاً می‌تواند قهقراپی باشد، در صورتی که توسعه، حرکتی یک سویه و رو به پیشرفت است. توسعه با تکامل نیز تفاوت دارد. توسعه با رشد نیز تفاوت‌های قابل توجهی دارد. هر چند در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد اقتصادی عامل اصلی توسعه محسوب می‌شد و بالا بردن تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه، هدف توسعه قرار داشت. از ویژگی‌های اصلی رشد، افزایش کمی تولید ناخالص ملی می‌باشد، حال آن که توسعه واژه‌ای فراتر از تغییرات کمی است. چرا که ممکن است در کشوری سرانه تولید ناخالص ملی افزایش داشته باشد، اما نابرابری در درآمدها بیشتر شده باشند. چنین حالتی را رشد اقتصادی با توسعه منفی، می‌نامند. زیرا با وجودی که سرانه درآمد افزایش یافته است، وضع اقتصادی توده مردم نامناسب‌تر شده است. برعکس، ممکن است در جامعه‌ای توسعه وجود داشته باشد، اما در کوتاه مدت رشد اقتصادی منفی باشد (صادقی و همکاران، پیشین: ۱۵).

به طور کلی در دوران پس از جنگ، سه تعریف در پژوهش‌های توسعه توفیق بیشتر داشتند: ابتدا، در مطالعات سال‌های دهه ۱۹۵۰، توسعه با رشد اقتصادی برابر گرفته شد، در شکل افزایش تولید ناخالص ملی و یا به صورت افزایش درآمد سرانه در یک کشور، اندازه‌گیری می‌شد. نتایج ناگوار ناشی از این تجربه باعث شد که تعریف و پیش فرض‌های نخست کنار گذاشته شود. در تعریف دوم، توسعه اگر چه بر مبنای رشد اقتصادی معرفی می‌شد، اما این رشد لزوماً با کاهش نابرابری و شعار فقرزدایی، همراه بود و در نتیجه توسعه با معیار بهبود شرایط اجتماعی سنجیده می‌شد. در تعریف سوم، علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی، مسائل سیاسی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفت. این تعریف به دلیل جاذبه‌های خود، به صورت وسیع مورد توجه قرار گرفت، اما به جهت ابهامات و تنوع، هیچ مقیاس واقعی برای سنجیدن آن وجود نداشت و همین ضعف عملاً غلبه دوم را در مطالعات تداوم بخشید (صادقی و همکاران، پیشین: ۱۶).

فرهنگ لغت کسب و کار، معنای توسعه را کاربرد سیستمی دانش فنی و علوم برای رسیدن به یک خواسته یا هدف خاص بیان می‌کند و همچنین فرهنگ لغت آکسفورد، مفهوم توسعه را وقتی کسی یا چیزی رشد، تغییر، ترقی و پیشرفته‌تر می‌شود و در مفهوم دیگر وقتی که یک چیز وسیع‌تر، پیشرفته‌تر می‌شود، تعریف کرده است (همان: ۱۶ و ۱۷). ابن‌خلدون در کتابش تحت عنوان «مقدمه»، برای اولین بار به مفهوم توسعه اشاره کرده است. وی عبارت «علم العمران» را برای تشخیص علم نوین توسعه یا جامعه، در مباحث جامعه‌شناسی به کار برده است (همان: ۱۷). در مجموع مراد از توسعه، یعنی فرآیند بهبود در مبانی علمی و فنی تولید و دگرگونی و پیشرفت در سطح زندگی، شرایط کار و نحوه مدیریت نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر کشور به طور بنیادی و اساسی با رویکردی سیستماتیک و کل‌نگر (همان: ۱۸).

از آن چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت، «توسعه اقتصادی» جایگاه رفیع‌تری نسبت به «رشد اقتصادی» دارد. در واقع باید گفت، برعکس توسعه اقتصادی که همواره هدفی مطلوب و آرمانی می‌باشد، ممکن است رشد اقتصادی دارای اثرات نامطلوب و حتی در مواردی خطرناک برای کل جهان باشد. زیرا رشد اقتصادی فقط ابعاد کمی اقتصاد را شامل می‌شود، در حالی که به نظر می‌رسد ابعاد کیفی رشد اهمیت بیشتری داشته باشد، چرا که رشد اقتصادی بدون رشد کیفی آن، منجر به اختلافات طبقاتی اقتصادی شدید در میان افراد جامعه خواهد شد و این به نوبه خود منجر به بروز اختلافات جدی میان اقشار کم‌درآمد و پردرآمد می‌گردد.

۲. توسعه پایدار

توسعه‌یافتگی یک مقصد یا یک نقطه هدف نیست، توسعه‌یافتگی یک مسیر است. لذا در اغلب اسناد به جای عبارت «توسعه‌یافتگی»، از عبارت «توسعه پایدار» استفاده می‌شود. مزیت اصلی استفاده از این عبارت این است که طبقات مختلف جامعه یا ملل دنیا به این درک مهم نائل می‌شوند که «توسعه نقطه پایانی ندارد». به عبارتی هرگز نمی‌توان چنین ادعا نمود که پس از فراهم آمدن چند شرط عام و خاص در یک کشور، بگوییم این کشور توسعه یافته محسوب می‌شود و به پایان راه رسیده‌ایم، بلکه باید چنین گفت که «این کشور در مسیر توسعه پایدار قرار دارد»، هر چند ممکن است بر اساس برخی شاخص‌های استاندارد بین‌المللی کشور مزبور کشوری توسعه‌یافته تلقی شود.

توسعه پایدار از معنویات مفاهیم و شرایطی است که هم دارای جذابیت‌های خاصی برای سیاست‌مداران و تصمیم‌سازان است و هم با آرمان‌های آحاد جوامع همخوانی دارد. این ایده که نسل‌های آتی بشر، همچنان برای حیات و معاش به کره زمین متکی خواهند بود، این الزام را در پی دارد که میزان برخورداری بالقوه آن‌ها نیز نباید کمتر از میزان تمتع نسل فعلی باشد. توسعه پایدار هم مطلوب اقتصاددانانی است که دیدگاه و نگاه عقلانیت‌تکنیکی به مسائل دارند و هم آرمانی است در چارچوب عقلانیت اخلاقی؛ به همین دلیل از مقبولیت و مشروعیتی عام در تمامی کشورها و آحاد جوامع بشری برخوردار است.

توسعه پایدار هدف آرمانی کلیه جوامع است. اگر چه مشکلات خاص و گسترده باعث شده توجه و تأکید کشورهای جهان سوم بیشتر بر حصول توسعه باشد تا پایداری آن، لکن باید توجه داشت حذف شکاف کنونی میان دو دنیای توسعه یافته و در حال توسعه بدون پایداری فرآیند توسعه، امکان‌پذیر نیست. اصطلاح «توسعه» معطوف به ارتقای سطح زندگی و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه است و «پایداری» آن اشاره به استمرار این فرآیند در طول نسل‌های بشر دارد. بدین ترتیب، توسعه پایدار کلیه جنبه‌ها و ابعاد زندگی بشر را دربر می‌گیرد. بر این اساس نباید انتظار داشت این مقوله به سادگی قابل تعریف و به سهولت قابل سنجش باشد (متوسلی، پیشین: ۵۲ و ۵۳).

واژه توسعه پایدار نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در گزارش انجمن بین‌المللی حفاظت از منابع طبیعی تحت عنوان «استراتژی حفاظت از منابع طبیعی» استفاده شد و از طریق گزارش موسوم به «آینده مشترک ما» که گزارش برون‌تلسند نیز نامیده می‌شود و توسط کمیسیون محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد تهیه شده، به طور گسترده‌ای اشاعه یافت و آثار سیاسی وسیعی خصوصاً در کشورهای توسعه یافته بر جای گذاشت (همان: ۶۶).

۳. امنیت اقتصادی

همانطور که پیش‌تر ذکر آن رفت، «امنیت اقتصادی» یکی اصلی‌ترین و اساسی‌ترین زیرساخت‌های توسعه اقتصادی است. مکاتب مختلف اقتصادی پیرامون «توسعه اقتصادی» نظریات و راهکارهای مختلفی را ارائه کرده‌اند، لکن به ندرت در آثار ایشان اشاره مستقیمی به «امنیت اقتصادی» رفته است، هر چند اغلب ایشان به موضوع «امنیت» اشاره و تأکید داشته‌اند. عدم تعیین دقیق عناصر سازنده امنیت اقتصادی موجب تفاسیر مختلف از این مفهوم اساسی شده است.

کشورهای توسعه یافته (گروه اول) با توجه به موقعیت و جایگاهی که در اقتصاد و تجارت بین‌المللی برای خود ایجاد کرده‌اند، از همان ابتدا موضوع امنیت اقتصادی را بر اساس استانداردهای خود و منافع ملی‌شان تدوین و اجرا نموده‌اند. این نکته تأثیر مهمی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته (گروه دوم) داشته است. از طرفی تبعیت کشورهای گروه دوم از کشورهای گروه اول موجب شده است که امنیت اقتصادی طراحی شده برای ایشان، عمدتاً تأمین‌کننده امنیت منافع گروه اول در این کشورها باشد. از

دیگر سو، عدم تبعیت کشورهای گروه دوم در سیاست‌ها و برنامه‌های امنیت اقتصادی از کشورهای گروه اول، منجر به دو وضعیت می‌شود:

اول؛ به علت عدم آشنایی کافی این کشورها با زیرساخت‌های توسعه اقتصادی و نبود ایشان، در عمل مسیر «اقتصاد امنیتی» را می‌پیمایند و به این ترتیب موجبات وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی و توسعه اقتصادی‌شان را فراهم می‌آورند.

دوم؛ در مواردی هم که توفیقاتی در این زمینه حاصل می‌شود، با کارشکنی‌های کشورهای گروه اول مواجه شده و متهم به امنیتی کردن اقتصاد می‌شوند. وجود نیروهای مخالف داخلی موجب دامن زدن به این شرایط شده و ادامه روند ایجاد فضای امن اقتصادی را دچار اختلال می‌نماید. لذا بازخوانی مجدد امنیت اقتصادی و مشخصات آن مفید و ضروری به نظر می‌رسد. ذکر این نکته ضروری است که شناخت و تعیین مشخصات امنیت اقتصادی بایستی بر اساس اصول اساسی حاکم بر یک کشور، اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... صورت پذیرد.

به طور کلی چهار حوزه اصلی شامل امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی^۱ و نظامی برای امنیت ملی قابل تصور است. هر چند در دوران پس از جنگ جهانی دوم تا اواخر قرن بیستم و به خصوص طی دوران جنگ سرد، امنیت کشورها در مقابل تهدیدات خارجی مهم‌ترین دغدغه موجود بوده و حوزه‌های امنیت نظامی و سیاسی بیش از امنیت اقتصادی مورد توجه قرار داشتند، لیکن با پایان یافتن دوران جنگ سرد و شکل‌گیری روابط جدید در نظام بین‌الملل، اولویت‌های امنیتی نیز دستخوش تحول شده و امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین وجه امنیت ملی مطرح گردید. به طوری که فراهم کردن بسترهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی در کشورها بدون وجود امنیت اقتصادی میسر نیست (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷: ۸ و ۷).

امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی و از اصول مهم و زیرساخت‌های اساسی کشورها برای دستیابی به توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و از این رو همیشه مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشورها بوده است (همان، ۷). فقدان امنیت برای فعالیت اقتصادی، از مفهوم ریسک و عدم اطمینان مجزا است. در شرایط ریسک، فعالان اقتصادی با دو احتمال در حرکت اقتصادی خود روبرو هستند که یکی سود بیشتر و دیگری سود کمتر خواهد داشت. در فضای عدم اطمینان، فعال اقتصادی با بیش از دو گزینه روبرو است که هیچ کدام از گزینه‌های احتمال موفقیت و شکست در آن‌ها مشخص نیست. اما در شرایط نامنی اوضاع پیچیده‌تر از دو حالت قبلی است، چرا که در این حالت، دولت‌ها در ایجاد کالای عمومی امنیت ناتوان هستند و چشم‌انداز هر فعالیت اقتصادی، تقریباً هیچ سودی را احتمال نمی‌دهد. در این وضعیت، فعالان اقتصادی به مفهوم‌هایی از قبیل خروج سرمایه از کشور و فرار مغزها می‌اندیشند و هر فعال اقتصادی سعی خواهد کرد که سرمایه و کار خود را به مکان‌های امنی منتقل نماید و با تبدیل دارایی‌های خود به پول نقد و دارایی خارجی، هر گونه اثرات نامنی را به حداقل برساند (کفشگر جلودار، بی تا).

امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلاجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و مصرف آن صورت می‌گیرد (همان). امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارت دیگر، یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازند.

در حال حاضر، امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی است. کشورهای در حال توسعه، جوامعی هستند که اولین و مهم‌ترین گام برای آن‌ها دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی منبع دست یافته و آنگاه به رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات که هدف نهایی هر نظام توسعه یافته است، برسند (همان).

امنیت اقتصادی دارای ابعاد و مفاهیم گسترده‌ای بوده و می‌توان بر اساس دیدگاه‌های مختلف شاخص‌های متفاوتی را به عنوان شاخص امنیت اقتصادی تعریف کرد. جدول ذیل سطوح مختلف امنیت اقتصادی را نشان می‌دهد (عزتی و دهقان، پیشین: ۸).

(جدول ۱) سطوح امنیت اقتصادی

ردیف	معیار طبقه‌بندی	سطوح امنیت اقتصادی
۱	جغرافیایی	ناحیه‌ای، کشوری، منطقه‌ای، جهانی
۲	فعالان اقتصادی	خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، مؤسسات مالی داخلی و خارجی
۳	حوزه‌ها	تولید، تجارت، مالکیت، بحران‌های اقتصادی، بخش مالی، معیشت، اشتغال، محیط زیست و...

امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه نیافتگی دو بعد دارد:

الف) امنیت سرمایه‌گذاری: امنیت سرمایه‌گذاری چارچوب نهادینه‌ای از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب کرده و امنیت جانی افراد و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می‌کند. هرگاه شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری در جامعه‌ای وضعیت مطلوبی را نشان دهد، این چارچوب نهادینه موجب رشد اقتصاد خواهد شد. این شاخص‌های کلی عبارتند از:

۱. برقراری ثبات سیاسی در پرتو دولت و عملکرد اقتصاد (ثبات سیاسی و سیاست‌گذاری صحیح اقتصادی)

۲. مشارکت مردمی در پرتو آزادی‌های مدنی، حقوقی و سیاسی

۳. نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادهای توسط دولت

۴. نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد مالی

۵. کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش‌های قومی، خطر جنگ‌ها و منازعات داخلی و میزان تروریسم سیاسی.

ب) امنیت اشتغال و درآمد: امنیت اشتغال و درآمد، به معنای طرد هر گونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه در مسیر اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی آن جامعه است. طبیعی است امنیت اشتغال و درآمد در امتداد یا همراه با امنیت سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین شاخص‌های پنج‌گانه برای امنیت سرمایه‌گذاری باید ملاک در این سطح از امنیت باشد. در ادبیات اقتصادی بعد دیگری نیز برای امنیت اقتصادی در نظر گرفته شده، که در دستور کار امنیت ملی هر کشور قرار دارد. این بعد را می‌توان «امنیت اقتصادی دولت» نامید که با دو شاخص «دسترسی سریع کشورها به کالاهای ضروری و راهبردی» و «رشد نسبی اقتصادی کشور» ارزیابی می‌شود (کفشگر جلودار: پیشین).

سازمان‌های تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی

نهادهای کارکرد اصلی نهادها این است که از طریق ایجاد یک ساختار با ثبات، عدم اطمینان حاکم بر مبادلات بشری را کاهش می‌دهد. اگر در خصوص تحقق و اجرای قراردادهای و توافقاتی که به عمل آمده، اطمینان وجود نداشته باشد، هزینه‌های معاملات افزایش یافته و معامله به سختی صورت می‌گیرد. اما در صورت وجود نهادهای قانونی قوی و همراه با ضمانت اجرایی، هزینه معاملات، به شدت کاهش یافته و در نهایت بر قدرت رقابتی و قیمت تمام شده محصول تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، نهادهای کارآمد مانند سوپاپ اطمینان عمل کرده و ضمن افزایش امنیت و اعتماد در جامعه، هزینه‌های زندگی افراد را هم کاهش می‌دهد.

به طور کلی نهادهای مرتبط با مقوله امنیت اقتصادی را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

الف) نهادهای مالی: بانک‌ها و مؤسسات مالی، بازار سرمایه، صنعت بیمه و نهادهای ناظر مالی

ب) نهادهای قضایی: دادگستری و نیروی انتظامی

ج) نهادهای اداری: وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی

د) نهادهای اجتماعی: مجالس قانون‌گذاری، اتحادیه‌ها و اصناف، اتاق‌های بازرگانی و احزاب سیاسی (عزتی و دهقان، پیشین: ۱۴).

دولت: به هر میزان دولت‌ها اهداف و حرکت‌های خود را در چارچوب قانون (قوانین مورد تأیید و تصویب اکثریت جامعه) انجام دهند، بازیگران و کارگزاران اقتصادی، توانایی بیشتری برای پیش‌بینی وضعیت آتی خود و جامعه خواهند داشت و می‌توانند اهداف و رفتار خود را بر پایه آن شکل داده و اقتصاد را در یک مسیر هدایت شده قرار دهند؛ اما در صورتی که دولت در وضع و تغییر قوانین از اصول و قواعد مشخصی تبعیت نکند، منجر به افزایش نااطمینانی در اقتصاد شده و هزینه مبادله و قیمت تمام شده کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد. این امر، منجر به کاهش قدرت رقابت در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای شده و در نهایت، موجب کاهش میزان رفاه عمومی جامعه می‌شود. بنابراین دولت هم می‌تواند به عنوان یک عامل اصلی ایجادکننده امنیت به طور عام و امنیت اقتصادی به طور خاص محسوب شود و از طرف دیگر، دولت می‌تواند عاملی برای تهدید امنیت باشد (کفشگر جلودار: پیشین). حوزه قوانین و مقررات: دستیابی به امنیت اقتصادی، بدون وجود قوانین و مقررات شفاف و باثبات امکان‌پذیر نیست. قوانین و مقررات مبنای عملکرد تمامی عوامل اقتصادی بوده و بدون داشتن قوانینی که از ایجاد ثبات و امنیت در فضای کسب و کار اقتصادی حمایت کند، سطوح بالای امنیت اقتصادی نیز محقق نخواهد شد. قوانین و مقررات مربوط به تجارت، مالیات، مالکیت، سرمایه‌گذاری خارجی، کار و مالکیت معنوی، از مهم‌ترین قوانینی هستند که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی دارند (عزتی و دهقان، پیشین: ۱۶).

اقتصاد امنیتی

در تعریف اقتصاد گفته‌اند: «اقتصاد یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است که به رفتار تک‌تک افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها (که فعالان، بازیگران و عوامل اقتصادی نامیده می‌شوند)، زمانی که قصد مدیریت یا استفاده از منابع محدود و کمیاب را برای اهداف مطلوب خود دارند، می‌پردازد». «اقتصاد امنیتی» مفهوم نوینی نیست، اما می‌توان آن را اصطلاحی نسبتاً نو دانست. شاید بتوان به جرأت گفت شکل اولیه اقتصاد در میان جوامع بشری، اقتصاد امنیتی بوده است. جایی که بازرگانان و تولیدکنندگان و به طور کلی فعالان عرصه اقتصاد، تحت حاکمیت مطلق حکمرانان فعالیت می‌کرده‌اند. حاکمان حاکمیت و اقتدار مطلق بر دارایی ایشان داشتند و هر زمان که اراده می‌کردند، دستور مصادره اموال ایشان را می‌دادند.

با نگاهی گذرا به تاریخ حکومت‌ها در اعصار مختلف و نحوه مواجهه ایشان با فعالیت‌های اقتصادی، درمی‌یابیم که یکی از عوامل مولد اقتصاد امنیتی، فساد دستگاه حکومت بوده است. نمونه و مصداق بارز نوین این نوع اقتصاد را می‌توان در اقتصاد کشورهای بلوک شرق زمان جنگ سرد و کشورهای سوسیالیستی و همچنین برخی کشورهای دارای نظام حکومت پادشاهی مشاهده نمود. در اقتصاد امنیتی، تنها یک فعال اصلی اقتصادی وجود دارد و آن نهادی است که دارای منابع مالی فراوان بوده و قدرت سیاسی، اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی کشور را به نوعی در اختیار دارد که در اغلب موارد این عضو فعال اقتصادی دولت می‌باشد. هر چند با بررسی دقیق‌تر در چنین دولت‌هایی به روشنی می‌توان دریافت که در ظاهر این دولت است که تمام ارکان اقتصاد را در دست گرفته و به سایرین اجازه تنفس در فضای اقتصادی را نمی‌دهد، ولی در واقع طیف خاصی از طبقه حاکم در جامعه تمام این اقتدار را در اختیار دارد. این طبقه در اغلب موارد در قالب حزب حاکم و عمدتاً در کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی یا در قالب افراد منسوب به خاندان حکومتی (مانند آن چه که در اغلب کشورهای عربی وجود دارد) قابل شناسایی می‌باشند. اقتصاد امنیتی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از سایر ساختارهای اقتصادی به شکل کاملاً ملموسی متمایز و جدا می‌سازد:

در اقتصاد امنیتی، فضای کسب و کار به معنی و مفهوم رایج آن وجود ندارد. تمام فضای کسب و کار به منظور تقویت و حمایت قدرت دولت شکل می‌گیرد. در چنین محیطی واحدهای اقتصادی (اشخاص حقیقی و بنگاه‌های اقتصادی) با میزان حمایت و نفع ایشان برای دولت سنجیده می‌شوند. اگر یک واحد اقتصادی برخلاف خواسته دولت حرکت نماید، سریعاً سرکوب شده و با واکنش شدید دولت مواجه می‌شود. در اقتصاد امنیتی، دارایی فردی معنی و مفهومی ندارد، بلکه هر چه دارایی وجود دارد در جهت تقویت و حمایت از دولت یا حزب حاکم باید به کار گرفته شود. دارایی واحدهای اقتصادی در هر زمان و در هر مکان به راحتی قابل

مصادره توسط دولت می‌باشد و هر گونه مقاومت یا مخالفتی با آن، خیانت محسوب شده و مجازات‌های سنگینی در پی خواهد داشت.

در اقتصاد امنیتی، رفاه اقشار مختلف مردم، هدفی مذموم و ناپسند شمرده می‌شود. در چنین شکلی از اقتصاد و چنین طرز فکری، رفاه مردم مساوی با بالا رفتن سطح توقع ایشان شمرده شده و آن را علامت زیاده‌طلبی و گرایش به مصرف‌گرایی و تمایل به نظام سرمایه‌داری می‌دانند. در اقتصاد امنیتی، نهادهای امنیتی نه در جهت امنیت مردم و کشور، بلکه در جهت امنیت دولت و طیف خاص حاکمیت انجام وظیفه می‌نمایند.

در اقتصاد امنیتی، بار هزینه‌های سنگین دولت بر دوش مردم قرار دارد و دولت از راه اخذ مالیات‌های گزاف، سنگین و کمرشکن از ایشان و صرف مالیات‌ها برای تقویت هر چه بیشتر زیرساخت‌های امنیتی خود، روز به روز بر فقر و تنگدستی ملت خود دامن زده و آن را گسترش می‌دهد.

بدیهی است چنین اقتصادی به هیچ عنوان مورد قبول نمی‌باشد و از سوی هر عقل سالمی مردود و مطرود است. اما متأسفانه برخی افراد سودجو و فرصت‌طلب با استفاده از این واژه منفور، سعی بر آن دارند که «امنیت اقتصادی» را با «اقتصاد امنیتی» گره زده و هر دو را یک مفهوم جلوه‌گر بنمایند. این در حالی است که دین اسلام از اساس نه تنها با اقتصاد امنیتی بدین شکل موافق نیست، بلکه بر امنیت اقتصادی تأکید می‌نماید. نمونه بارز این مطلب را می‌توان در آیات نورانی ۸۴ تا ۸۶ سوره مبارکه هود مشاهده نمود. از طرفی دین اسلام داشتن اموال حلال را نیز عیب ندانسته و این نکته به خوبی در آیه شریفه ۳۲ از سوره مبارکه اعراف قابل مشاهده است. در خصوص امنیت اقتصادی و مخالفت جدی شرع انور اسلام با انواع مفسده‌های اقتصادی آیات و روایات متعددی وجود دارد که ذکر ایشان از حوصله این نوشتار خارج است.

در قوانین جاری کشور نیز از فعالیت‌های اقتصادی صحیح و سالم حمایت شده است. بدین ترتیب می‌توان بر این موضوع تأکید نمود که طرح موضوع امنیت در حوزه اقتصاد در نقطه مقابل اقتصاد امنیتی قرار داشته و در مخالفت جدی با آن می‌باشد. اهمیت مقوله امنیت اقتصادی را در فرمان ۸ ماده‌ای مقام رهبری به وضوح می‌توان مشاهده نمود. ایشان در تمام ۸ ماده این فرمان تاریخی بر امنیت اقتصادی تأکید نموده و مستقیماً از اقتصاد امنیتی تبری جسته و این هشدار را می‌دهند که در این راه ممکن است تلاش برای برقراری امنیت اقتصادی، به غلط به گرایش به سمت اقتصاد امنیتی تعبیر شود، لذا در اینباره این چنین می‌فرمایند: «ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوء استفاده کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند».

رهبری انقلاب در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، دولت و تمام ارکان اجرایی کشور را مکلف نموده‌اند که زمینه حضور و مشارکت تمامی آحاد جامعه را برای رشد، توسعه و شکوفایی اقتصادی کشور فراهم آورند. ایشان در موارد متعددی در مناسبت‌های مختلف ضمن بیانات راهگشای‌شان، بر امنیت اقتصادی بدین شرح اشاره و تأکید فرموده‌اند: «از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، فسادستیزی است؛ ما اگر می‌خواهیم مردم در صحنه اقتصاد باشند، باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد؛ اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوء استفاده‌چی و دور زننده قانون بشود؛ مبارزه با فساد این است؛ این باید جدی گرفته بشود...»، «دشمن می‌داند که شرط سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت، امنیت است و نمی‌خواهند سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت در این منطقه انجام بگیرد، لذا سعی خواهند کرد با امنیت مقابله کنند. سعی می‌کنند امنیت را به هم بزنند. البته این را هم با اطمینان کامل به شما بگویم که نیروهای مؤمن و وفادار جمهوری اسلامی به کمک همین مردم و همین جوان‌ها با عوامل ناامنی بشدت برخورد خواهند کرد و هرگونه مجال ناامنی را به لطف الهی از آنها خواهند گرفت.» مجموعه فرمایشات رهبر در مسأله امنیت اقتصادی بسیار بوده و ایشان تأکید فراوانی بر این مطلب دارند.

نهادهای امنیتی

گفته شد، نهادها (نهادهای اداری)، دولت و حوزه قوانین و مقررات، از عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی می‌باشند. برای آن که بتوان یک فضای امن برای فعالیتهای اقتصادی فراهم آورد، لازم است تدابیر و تمهیدات بسیار دقیق و ظریفی در این خصوص اندیشیده شده و به شکل مناسب و در خوری اجرا شود.

در بند ۵ از فرمان هشت ماده مقام رهبری به سران سه قوه برای مبارزه با مفاسد اقتصادی، ولی امر مسلمین این چنین فرمان داده‌اند: «بخش‌های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان آسیب‌زدایی در هر مورد را یاری رسانند.» معظم له در بند ۶ فرمان راهگشای خود، خطاب به سربازان گمنام امام زمان (عج) چنین می‌فرماید: «وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیتهای اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی، و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی، و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رئیس جمهور گزارش دهد». نکته قابل توجه در فرمان رهبر انقلاب، تمثیلی بودن موارد مذکور است. به عبارتی با عنایت به عبارت «...از قبیل...» می‌توان دریافت مثال‌های ذکر شده جنبه حصری نداشته بلکه جنبه تمثیلی و تفسیری دارد. رهبر انقلاب در بند ۱۹ ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...» را از جمله موارد ضروری برای تحقق اقتصاد مقاومتی امر نموده‌اند. به این ترتیب سربازان گمنام امام زمان (عج) در وزارت اطلاعات وظیفه خطیری در این راه برعهده دارند.

بسته‌های پیشنهادی دولت برای خروج از رکود تورمی

در نیمه دوم تیرماه سال جاری دولت با هدف خروج کشور از وضعیت رکود تورمی اقدام به انتشار بسته پیشنهادی خود برای تحقق این مهم نمود. پیشنهادات دولت با توجه به بازه زمانی دو ساله آن از جامعیت قابل قبولی برخوردار بود، لکن از مقوله «امنیت اقتصادی» در آن سخنی به میان نیامده بود.

واقعیت این است، هر چند موضوع تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی علیه کشور، در شکل‌گیری وضعیت رکود تورمی حاضر تأثیر اساسی داشته است، لکن نمی‌توان از تأثیر موضوع مفاسد مالی گوناگونی که در چند سال اخیر رخ داده است چشم‌پوشی نمود. یک نگاه اجمالی بر این رخدادها نشان می‌دهد که این مفاسد در سه حوزه سیستم بانکی با رقم ۳۰۰۰ میلیارد تومان، خدمات بیمه و در نهایت در حوزه صادرات نفت که منبع اصلی درآمد ارزی کشور است، رخ داده است. بروز چنین مسائلی موجب افزایش شدید ریسک سرمایه‌گذاری در کشور شده است. نوسانات شدید قیمت ارزی، قیمت‌های کالاهای عمومی و اساسی و... از دیگر مواردی است که آشکارا نیاز اساسی به برقراری امنیت اقتصادی در کشور را بیان می‌دارد. از طرفی دولت با انتشار بسته پیشنهادی خود، در حقیقت نقشه راه دو ساله خود را ترسیم کرده است. توفیق دولت در به ثمر رسانیدن اهداف تعیین شده، دارای مزیت‌های متعدد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... برای دولت محترم یازدهم خواهد بود، در حالی که چنانچه دولت نتواند به هر علت به نحو رضایت‌مندی برنامه‌های خویش را اجرا نماید، این ناکامی تبدیل به پاشنه آشیل دولت در سال پایانی‌اش خواهد شد. لذا لازم است برنامه دولت در بستر مناسبی انجام پذیرد تا اهداف از پیش تعیین شده، قابل وصول باشند. در چنین شرایطی نقش نیروهای امنیتی، بسیار پررنگ و جدی خواهد شد. اقدامات پیشگیرانه امنیتی در حوزه مفاسد اقتصادی و نظارت هوشیارانه بر عملکرد اقتصادی در تمامی سطوح بدون ورود در این حوزه‌ها، از جمله اقدامات اولیه برای تأمین امنیت اقتصادی در سطح کشور محسوب می‌شود.

بدیهی است در این راه هوشیاری و همکاری مدیران، مسئولین و سایر دست‌اندرکاران ضمن هموارسازی مسیر خروج از رکود تورمی، می‌تواند گام بلند و مهمی در زمینه تحقق امنیت اقتصادی در تمام لایه‌های اقتصادی کشور گردد.

نتیجه‌گیری

بی‌شک «امنیت اقتصادی» یکی از اساسی‌ترین ملزومات ایجاد توسعه پایدار اقتصادی است. یک نکته اصلی در خصوص امنیت اقتصادی، ایجاد باور وجود امنیت اقتصادی در میان تمامی لایه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است. بدیهی است وجود چنین باوری اثرات بسیار درخشانی در روند رو به رشد کشور خواهد داشت. اما برای برقراری امنیت اقتصادی، لازم است قوانین روشن و شفاف در این زمینه وجود داشته باشد که خوشبختانه در این بخش مشکلی در کشور وجود ندارد و اسناد بالادستی قوانین و مقررات مکفی در این زمینه دارند. پس از آن وجود یک تشکیلات اجرایی ضروری به نظر می‌رسد که عهده‌دار اجرای این قوانین و مقررات شود که در این حوزه نیز دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی (اعم از نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات و...) حضور دارند. آنچه باقی می‌ماند ایجاد یک خواست و حرکت ملی برای برقراری امنیت اقتصادی در سراسر کشور است. این مهم خواسته تمام ملت ایران می‌باشد و در این بین دولت به عنوان مجری قوانین و مقررات که برخاسته از آرای مردم می‌باشد، این مسئولیت مهم را بر عهده دارد.

پایش مستمر حرکت اقتصادی کشور در تمامی حوزه‌ها و زمینه‌ها، تدوین، تنظیم و تصویب قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های مفید، مؤثر و بروز متناسب با فعالیت‌های اقتصادی امروزی جهت برقراری امنیت در حوزه اقتصاد، حمایت دولت و دولتمردان از نیروهای امنیتی، ارائه آموزش‌های مفید و هدفمند در جهت توجیه هر چه بهتر این نیروها، چالاک‌ی بیشتر دستگاه قضایی در رسیدگی دقیق و عادلانه به پرونده‌های مفاسد اقتصادی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند فضای اقتصاد کشور را مملو از عطر امنیت ساخته و حرکت مستمر و رو به رشد آن را تسریع بخشد.

نکته پایانی این که، باید در نظر داشت در زمان اجرای برنامه‌های تنظیم شده در حوزه امنیت اقتصادی، نباید به گونه‌ای عمل نمود که شائبه اقتصاد امنیتی در کشور ایجاد شود، زیرا ایجاد و گسترش چنین دیدگاهی موجب تشدید مشکلات و معضلات کنونی شده و دولت را از رسیدن به اهدافش دور می‌دارد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. متوسلی، م (۱۳۹۲)، توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، انتشارات سمت.
۳. صادقی، س و همکاران (۱۳۹۲) برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط با بررسی ۷ کشور دنیا، قم: انتشارات آئین محمود.
۴. ملکی، ب (۱۳۹۲) توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵. عزتی، م و دهقان، م (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی (مرکز پژوهش‌ها، دفتر مطالعات اقتصادی).
۶. کفشگر جلودار، ح، امنیت اقتصادی، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم، بی تا، <http://www.pajooh.com>
۷. زنگنه، ص، عناصر مؤثر در ایجاد ثبات و استقرار بازار، تارنمای خبری تحلیلی خبر آنلاین، ۱۳۹۱/۰۷/۲۸، <http://www.khabaronline.ir>
۸. تارنمای فرهنگ لغت کسب و کار، بی تا، www.businessdictionary.com
۹. تارنمای فرهنگ لغت آکسفورد، بی تا، www.oxforddictionaries.com